
ملاقات و طول عمر حضرت (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

اهداف:

۱. آشنائی با نحوه ارتباط شیعیان با حضرت در عصر غیبت
۲. انواع ملاقات با حضرت (حالت اضطرار، حالت عادی)
۳. آشنائی با دلایل طول عمر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فواید:
 ۱. شناخت صحیح در مورد مسأله ارتباط و ملاقات
 ۲. رفع استبعاد ظاهری طول عمر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مطالب آموزشی:
 ۱. تفاوت ارتباط حضرت با مردم در غیبت صغری با غیبت کبری
 ۲. استثنائی بودن وقوع ملاقات و تأکید بر غیبت حضرت
 ۳. شرایط مختلف ملاقات کنندگان
۴. نمونه‌های از وقوع ملاقات با امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۵. اسرار طول عمر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ۶. شواهد تاریخی طول عمر

دیدار یار

از سختی‌ها و تلخی‌ها دوره غیبت، دوری شیعیان از مولای خود و محروم ماندن از دیدار جمال آن یوسف بی‌همتا است. با شروع روزگار غیبت، منتظران ظهور، پیوسته در حسرت تماشای آن سرو بلند فضیلت سوخته‌اند و آه فراق از دل کشیده‌اند! البته در دوران غیبت صغری، شیعیان به وسیله نائبان خاص با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارتباط داشتند و بعضی از آنها به فیض حضور آن بزرگوار رسیدند چنان که در این باره روایات فراوانی وجود دارد ولی در دوره غیبت کبری که روزگار غیبت کامل امام است، رابطه یاد شده قطع گردید و امکان شرفیابی به محضر آن حضرت به شکل معمول و از طریق افرادی خاص، منتفی شد.

با این حال بسیاری از علما معتقدند که در این زمان نیز، ملاقات با آن ماه منیر امکان دارد و بارها اتفاق افتاده است. حکایت شرفیابی بزرگانی چون علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، سیدین طاووس و مانند آنها معروف و مشهور است و در کتاب‌های بزرگان علما نقل گردیده است.^۱

اما لازم است که درباره بحث ملاقات با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نکات زیر توجه شود: نکته اول اینکه، ملاقات با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گاهی در حالت اضطرار و در ماندگی افراد روی می‌دهد و گاهی در حالت عادی و به دور از اضطرار. به بیان روشن‌تر گاهی ملاقات‌ها برای دستگیری امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اشخاصی است که در وضعیتی گرفتار شده‌اند و احساس تنهایی و بی‌کسی به آنها دست داده است مثل جریان ملاقات بسیاری از افراد که در مکان‌های مختلف مانند سفر خانه خدا، راه را گم کرده‌اند و امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یا یکی از اصحاب آن حضرت، آنها را از سرگردانی نجات داده است و اکثر ملاقات‌ها از همین قبیل است.

ولی در مواردی ملاقات‌ها در غیر حالت اضطرار بوده است و ملاقات کننده به جهت مقام معنوی ویژه‌ای که داشته به حضور امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرفیاب شده است.

با توجه به نکته فوق باید توجه داشت که ادعای ملاقات و دیدار آن حضرت از هر کسی پذیرفته نیست. نکته دوم اینکه، در طول مدت غیبت کبری و به ویژه در زمان ما، افرادی با ادعای ملاقات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پی جمع کردن مردم و کسب نام و نانی برای خود بوده‌اند و از این راه بسیاری را به گمراهی و انحراف در عقیده و عمل کشانیده‌اند؛ با توصیه خواندن بعضی دعاها و انجام برخی اعمال که بسیاری از آنها هیچ اصل و اساسی ندارد و با دعوت از مشتاقان دیدار، برای شرکت در جلسه‌هایی که محتوای قابل قبولی ندارد، وعده دیدار حجت خدا را می‌دهند و بدینگونه امر ملاقات با آن امام غایب را کاری سهل و در دسترس همگان جلوه می‌دهند در حالی که بدون تردید آن حضرت بر طبق اراده پروردگار در غیبت کامل قرار گرفته است

و جز برای افرادی انگشت شمار که تنها راه نجات آنها عنایت مستقیم آن مظهر لطف الهی است رخ نمی نماید. و نکته سوم اینکه جریان ملاقات تنها در صورتی ممکن است که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مصلحت را در وقوع آن ببیند. بنابراین هرگاه با وجود همه شور و اشتیاق یک عاشق و تلاش او برای شرفیابی به محضر امام، ملاقاتی دست ندهد نباید گرفتار یأس و ناامیدی گردد و این را نشانه نبود لطف و عنایت امام بدانند همانگونه که آن کس که به فیض ملاقات با آن بزرگوار نائل شد، این دیدار نشانه آن نیست که در تقوا و فضیلت به کمال رسیده است.

جان سخن اینکه اگر چه دیدن جمال نورانی امام عصر و سخن گفتن با آن محبوب دلها سعادت بزرگ است اما امامان ما و به ویژه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از شیعیان نخواسته اند که در پی دیدار امام زمان خود باشند و برای رسیدن به این مقصود، چله نشینی کرده و یا بیابان گردی پیشه کنند؛ بلکه در کلمات پیشوایان معصوم (علیهم السلام) سفارش فراوان شده است که شیعیان پیوسته به یاد آن حضرت بوده و برای فرج او دعا کنند و در جلب رضای او در گفتار و کردار بکوشند و در راستای اهداف بزرگ او قدم بر دارند تا هر چه زودتر زمینه ظهور آن امید بشریت فراهم گردد و عالم از فیض مستقیم او بهره مند شود.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود می فرماید:

«أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛

برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که همان فرج شماست».

در اینجا مناسب است جریان شیرین ملاقات مرحوم حاج علی بغدادی را که از خوبان روزگار خویش بوده است نقل کنیم ولی به جهت رعایت اختصار به بیان نکات مهم آن اکتفا می کنیم:

آن مرد شایسته و با تقوا، همیشه از بغداد به کاظمین می رفت و دو امام بزرگوار حضرت جواد و حضرت کاظم (علیهما السلام) را زیارت می کرد. او می گوید: مقداری خمس و حقوق مالی برعهده ام بود. به همین جهت به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن را به عالم فقیه و پارسا شیخ انصاری رحمته الله و بیست تومان آن را هم به عالم فقیه شیخ محمد حسین کاظمی رحمته الله و بیست تومان هم به آیت الله شیخ محمد حسن شروقی رحمته الله دادم و تصمیم گرفتم که بیست تومان دیگر بدهی خود را پس از بازگشت به بغداد به آیه الله آل یاسین رحمته الله بپردازم. روز پنج شنبه به بغداد بازگشتم. نخست به سوی کاظمین رفتم و دو امام بزرگوار را زیارت کردم. پس از آن به منزل آیه الله آل یاسین رفتم و بخشی از باقی مانده بدهی شرعی خود را به او تقدیم کردم و از او اجازه گرفتم که باقی مانده آن را به تدریج به او یا کسی که او را مستحق بدانم بپردازم. ایشان اصرار کرد که نزد او بمانم اما به خاطر کارهای ضروری، عذر خواهی کرده و خداحافظی کردم و به سوی بغداد حرکت کردم. وقتی یک سوم راه را رفته بودم با سید بزرگوار و با وقاری روبرو شدم. او عمامه ای سبز بر سر داشت و بر گونه اش خالی مشکی آشکار بود و برای زیارت به سوی کاظمین می رفت. نزدیک من آمد و سلام کرد و به گرمی با من دست داد و مرا در آغوش کشید و به سینه چسباند و به من خوش آمد گفت و فرمود: خیر است، کجا می روی؟

گفتم: زیارت کرده و اینک عازم بغداد هستم. گفت، شب جمعه است برگرد به کاظمین (و امشب را در آنجا بمان) ! گفتم: نمی توانم! گفت، می توانی، برگرد تا گواهی دهم که از دوستان جدّم امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از

دوستان ما هستی و شیخ نیز گواهی می دهد. خداوند می فرماید: «وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدِينَ»^۳ [= دو نفر را شاهد بگیرید]. حاج علی بغدادی می گوید: من پیش از این از آیه الله آل یاسین خواسته بودم که برای من سندی بنویسد و در آن گواهی کند که من از شیعیان و دوستان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هستم تا آن نامه را در کفن خویش قرار دهم. از سید پرسیدم: از کجا مرا شناختی و چگونه این گواهی را می دهی؟! فرمود: چگونه انسان کسی را که حق او را به طور کامل می دهد نمی شناسد؟! گفتم: کدام حق؟! فرمود: همان حقوقی که به و کیل من دادی. گفتم: و کیل شما کیست؟ فرمود: شیخ محمد حسن! گفتم: آیا او و کیل شماست؟ فرمود: آری.

از گفتار او شگفت زده شدم. فکر کردم میان من و او، دوستی دیرینه ای است که من فراموش کرده ام زیرا در برخورد اول مرا به نام صدا زد! و گمان کردم از من توقع دارد که مبلغی از آن خمس که بر عهده دارم بدان جهت که از نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است به او تقدیم کنم. بنابراین گفتم: از حقوق شما فرزندان پیامبر مقداری نزد من هست و اجازه گرفته ام که آن را مصرف کنم. تبسم کرد و گفت: آری! مقداری از حقوق ما را به و کلای ما در نجف پرداختی. پرسیدم: آیا این کارم پذیرفته در گاه خداست؟ فرمود: آری!

به خود آمدم که چگونه این سید، بزرگترین علمای عصر را، و کیل خود می خواند. اما بار دیگر دچار غفلت شدم و موضوع را فراموش کردم!

گفتم: سرورم! آیا درست است که می گویند: هر کس در شب جمعه امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند [از عذاب خدا] در امان خواهد بود. گفت: آری! و در همان حال دیدگانش پر از اشک شد و گریست. چیزی نگذشت که دیدم در حرم مطهر کاظمین (علیه السلام) هستیم بی آنکه از خیابانها و راههایی که به حرم می رسد، عبور کرده باشیم. کنار در ورودی ایستادیم. گفت: زیارت بخوان! گفتم: سرورم من نمی توانم خوب بخوانم. گفت: آیا من بخوانم تا با من زیارت کنی؟ گفتم: آری!

او شروع کرد و بر پیامبر و یک یک امامان (علیهم السلام) سلام گفت و پس از نام مبارک امام عسکری (علیه السلام) رو به من کرد و گفت: آیا امام زمانت را می شناسی؟ گفتم: چگونه نمی شناسم؟! فرمود: پس بر او سلام کن! گفتم، «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَانَ الْحَسَنِ!» تبسم کرد و فرمود: «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

پس وارد حرم شدیم و ضریح را بوسیدیم. فرمود: زیارت بخوان. گفتم: سرورم، نمی توانم خوب بخوانم. فرمود: آیا برایت بخوانم؟ گفتم: آری! او زیارت مشهور به «امین الله» را خواند و آنگاه فرمود: آیا جدّم حسین (علیه السلام) را زیارت می کنی؟ گفتم: آری امشب شب جمعه و شب زیارتی امام حسین (علیه السلام) است. او زیارت مشهور امام حسین (علیه السلام) را خواند. هنگام نماز مغرب شد به من فرمود تا نماز را به جماعت بخوانم. پس از نماز آن بزرگوار از نظرم ناپدید شد و هر چه جستجو کردم او را ندیدم!!

تازه به خود آمدم و به یاد آوردم که سید مرا با نام و نشان صدا زد. خواست که به کاظمین برگردم و با اینکه نمی خواستم بازگشتم. فقهای بزرگ را و کیل خود خواند و سرانجام نیز به صورت ناگهانی پنهان شد. پس از این اندیشه دریافتم که آن حضرت امام عصر (علیه السلام) بوده است و دریغا که دیر او را شناختم.^۴

طول عمر

از مباحث مربوط به زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طول عمر آن بزرگوار است. برای بعضی این سؤال مطرح است که چگونه ممکن است انسانی، عمری چنین طولانی داشته باشد؟!^۶

سرچشمه این سؤال و علت طرح آن این است که آنچه در جهان امروز، معمول و متداول است عمرهای محدودی است که حداکثر بین ۸۰ تا ۱۰۰ سال طول می کشد^۶ و بعضی با دیدن و شنیدن اینگونه عمرها، نمی توانند یک عمر طولانی را باور کنند یا آن را دور می شمارند. و گرنه عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری امری غیر ممکن نیست و دانشمندان با مطالعه اجزاء بدن به این حقیقت رسیده اند که ممکن است انسان، سالهای بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود.

برنارد شاو می گوید:

«از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر نمی توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسئله مرزناپذیری است.»^۷

پروفسور «اتینگر» می نویسد:

«به نظر من با پیشرفت تکنیکها و کاری که ما شروع کرده ایم بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند.»^۸

بنابراین تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راههای غلبه بر پیری و رسیدن به دراز عمری نشانگر امکان چنین پدیده ای است چنانکه در این مسیر گامهای موفقیت آمیزی برداشته شده است و هم اکنون در گوشه و کنار جهان کم نیستند افرادی که بر اثر شرایط مناسب آب و هوایی و تغذیه مناسب و فعالیت مناسب بدنی و فکری و عوامل دیگر، عمری نزدیک به صدوپنجاه سال و گاهی بیشتر از آن دارند مهم تر اینکه عمر طولانی در گذشته تاریخ انسانها بارها تجربه شده است و در کتابهای آسمانی و تاریخی، انسانهای زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده اند که مدت عمر آنها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است.

در این زمینه کتابها و مقالات متعددی نوشته شده است که برای نمونه چند مورد را بیان می کنیم:

۱. در قرآن آیه ای هست که نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می دهد و آن آیه درباره حضرت یونس (علیه السلام) است که می فرماید:

«اگر او (یونس علیه السلام) در شکم ماهی تسبیح نمی گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می ماند.»^۹

بنابراین از نظر قرآن عمری بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام) تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست شناسان عمر جاویدان نامیده می شود برای انسان و ماهی امکان پذیر است.^{۱۰}

۲. قرآن کریم در مورد حضرت نوح (علیه السلام) می فرماید:

«به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ نمود.»^{۱۱}

آنچه در آیه شریفه آمده است مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، مدت عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال بوده است!^{۱۲}

جالب اینکه در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

«در امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سنت و شیوه ای از زندگی حضرت نوح (علیه السلام) است و آن

طول عمر است.»^{۱۳}

۳. و نیز درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید:

«... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند بلکه امر به آنها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند توانا و فرزانه است.»^{۱۴}

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند که عیسی (علیه السلام) زنده است و در آسمان هاست و به هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرود آمده و او را یاری خواهد کرد. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«در صاحب این امر (مهدی) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چهار سنت از چهارتن از پیامبران است... و از عیسی (علیه السلام) سنتی دارد و آن اینکه: (درباره مهدی نیز) می گویند: او مرده است در حالی که او زنده می باشد.»^{۱۵}

علاوه بر قرآن در تورات و انجیل نیز سخن از عمرهای طولانی مطرح گردیده است. در تورات آمده است که:

«... تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد... جمله ی ایام «انوش» نهصد و پنج سال بود که مُرد... و تمامی ایام «قینان» نهصد و ده سال بود که مُرد... پس جمله ی ایام «متوشالحو» نهصد و شصت و نه سال بود که مُرد...»^{۱۶}

بنابراین تورات صریحاً به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می کند. در انجیل نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی (علیه السلام) پس از به دار کشیده شدن زنده گردیده و به آسمان بالا رفته است.^{۱۷} و در روزگاری فرود خواهد آمد و مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می شود که پیروان دو آئین یهود و مسیحیت باید به علت اعتقاد به کتاب مقدس به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند.

گذشته از اینکه طول عمر از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سببها و علّتها به اراده او بستگی دارد و اگر او نخواهد سببها از تأثیر باز می ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می کند و می آفریند.

او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلامت می سازد و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می کند و آنها را از میان دو دیوار آبی عبور می دهد!^{۱۸} آیا از اینکه به عصاره انبیاء و اولیاء و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق بخش وعده بزرگ قرآن عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟! امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود:

«... خداوند عمر او را (مهدی) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبتش طولانی می گرداند، سپس به قدرت خدایی اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می سازد تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری

تواناست.^{۱۹}

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ابعاد مختلف عقلی و علمی و تاریخی امری ممکن و پذیرفتنی است و پیش از همه اینها از جلوه‌های اراده خداوند بزرگ و تواناست.

خلاصه درس

- ملاقات با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت کبری گاهی در حالت اضطرار و گاهی در حالت عادی ممکن است رخ دهد.
- شرط تحقق ملاقات و تشریف به محضر حضرت، اذن آن حضرت و وجود مصلحت است نه علاقه و اشتیاق تنها.
- گرچه دیدن جمال حضرت بسیار محبوب و مطلوب است ولی آنچه وظیفه شیعیان در عصر غیبت است عمل به تکلیف است.
- موضوع طول عمر و دیر زیستی هم از نظر علمی توجیه پذیر است، هم نمونه‌های تاریخی دارد و هم شواهد قرآنی و روایی.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. الغيبة - شیخ طوسی
۲. منتخب الانوار المضيئة - نیلی نجفی
۳. راز پنهانی و رمز پیدائی - سیدمحمد بنی هاشمی
۴. سیمای آفتاب - حبیب الله طاهری
۵. فصلنامه مشرق موعود - شماره ۲ مقاله تأملی در باب ارتباط و ملاقات

۱. رک: *جَنَّةُ الْمَأْوَى وَالنَّجْمُ الثَّاقِبُ*، محدث نوری.
۲. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.
۳. سوره بقره، آیه ۲۸۲.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۳۱۵ و *النجم الثاقب*، داستان ۳۱.
۵. اکنون در سال ۱۴۲۵ هجری قمری هستیم و با توجه به اینکه تولد امام مهدی در سال ۲۵۵ هجری قمری واقع شده است، پیشوای ما هم اکنون ۱۱۷۰ سال دارد.
۶. البته هم اکنون عمرهای بالای صد سال هم یافت می شود که به نسبت بسیار کم است.
۷. *راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)* علی اکبر مهدی پور، ص ۱۳.
۸. *مجله دانشمند*، سال ۶، ش ۶، ص ۱۴۷.
۹. سوره الصافات، آیه ۱۴۴.
۱۰. خوشبختانه کشف ماهی / ۴۰۰ میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار امکان چنین عمری را برای ماهی، عینی کرد (کیهان، ش ۶۴۱۳ - ۴۳/۸/۲۲).
۱۱. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.
۱۲. *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳، ص ۳۰۹.
۱۳. *کمال الدین*، ج ۱، باب ۲۱، ح ۴، ص ۵۹۱.
۱۴. سوره نساء، آیه ۱۵۷.
۱۵. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۲۱۷.
۱۶. *تورات* (ترجمه ی فاضل خانی)، سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲.
۱۷. *عهد جدید*، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲.
۱۸. اینها حقایقی است که در قرآن کریم آمده است: سوره انبیاء، آیه ۶۹ و سوره شعراء، آیه ۶۳.
۱۹. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۰۹.